

گفت‌و‌گو با محسن نصراللهی درباره جزئیات و تاثیر طراحی صحنه در فیلم‌های سینمایی

سرخ پوست فیلم نمایش جزئیات است

قطعا یکی از عواملی که باعث دیده شدن فیلم «سرخ پوست» شده است طراحی صحنه آن است که در طول فیلم مخاطب را همراه خود می‌کند. این موضوع در زمان جشنواره از چشم هیات داوری دور نماند و او را مستحق گرفتن سیمرغ طراحی صحنه دانستند. فیلم با موقعیت مکانی قصه‌اش به رخ کشیده می‌شود و هنرمندی محسن نصراللهی در این اتفاق خیلی به چشم می‌آید. حالا در زمان اکران عمومی فیلم، گویی زدیم با محسن نصراللهی و از او در مورد چگونگی ساخت لوکیشن و روند طراحی صحنه این فیلم پرسیدیم که در ادامه می‌خوانید.



ساختیم. گاهی اوقات ممکن است لوکیشنی داشته باشیم و براساس آن خودمان را تطبیق دهیم اما در «سرخ پوست» به این شکل نبود، ما فیلمنامه داشتیم و براساس آنچه در فیلم وجود دارد ساختیم، عینیت بخشیدیم و تصویری کردیم. بعید می‌دانم چیزی در ذهن آقای جاویدی بود که اتفاق نیفتاده باشد. تمام آن چیزی که در فیلمنامه بود؛ حیاط اعدام، حیاط هواخوری و... به صورت دقیق اندازه‌گیری می‌شد یعنی ما متر می‌کردیم از اینجا تا آنجا چقدر دیالوگ دارند و چند متر احتیاج داریم؛ این یعنی تصویری کردن فیلمنامه کاری که من برای «سرخ پوست» انجام دادم. اصولا چون زندان، زندان خالی و در حال تخلیه است که حتی اتاق رئیس زندان در فیلمنامه هم قرار بود خالی باشد اما با نیما جاویدی صحبت کردیم و به این نتیجه رسیدیم، اتاق نباید خیلی هم خالی باشد، باید به‌مرور خالی شود اما در بقیه اتاق‌های زندان، هیچ وسیله‌ای نداریم و تقریبا خالی از وسیله است.

در این مسیر که جزئیات این قدر تاثیر گذار بود چه سختی‌هایی داشتید؟

سختی‌ها و چالشی که من داشتم هم به همین شکل بود، ما باید فرم معماری و کهنه‌کاری‌هایی انجام می‌دادیم و به سمتی می‌رفت چون وسیله‌ای نداشتیم که پر کنیم و فقط دیوار بود باید این دیوارها را پر می‌کردیم، تصویر خیلی هم لخت به نظر نرسد و هر پلان به لحاظ بصری شبیه تابلوی نقاشی باشد و خدا را شکر در بسیاری از این موضوع‌ها در عمل موفق بودیم چه به لحاظ کهنه‌کاری و چه شکل معماری که انتخاب کردیم و ساختیم.

این دالان‌های پر پیچ‌و‌خم که در زندان می‌بینیم و چرخش‌های دوربین را برای بیننده پدید می‌آورد لزوم فیلمنامه و داستان است یا بیشتر از هر چیزی کاربرد زیبایی‌شناسی دارد؟

نکته‌ای که در فیلم و نماها برای من به‌عنوان طراح صحنه مهم است این است که برای بیننده جذابیت بصری داشته باشد. ممکن است در واقعیت یک زندان به همان اندازه که در فیلم می‌بینیم پیچ‌و‌خم نداشته باشد. ما به تعداد پیچ‌و‌خم‌های بیشتری در فیلم نیاز داشتیم و همه این دالان‌ها و پیچ‌و‌خم‌ها مربوط به فیلمنامه بود و بیشتر از این موضوع قید محدودیت بودجه هم مهم بود و باعث می‌شد پیچ‌و‌خم‌ها را بیشتر کنیم و طی صحبت‌هایی که با نیما جاویدی داشتیم و با توجه به نظرانی که داشتند به این نتیجه رسیدیم. برای من قسمت بصری و یکنواخت نشدن آن در نگاه مخاطب مهم‌ترین نکته بود.

فیلم، فیلمی معنایی و با تعلق است این تعلق در آرایش صحنه با چه تمهیداتی پیش رفت و چه نقش‌هایی برای آن داشت؟

«سرخ پوست» شاید یکی از معدود فیلم‌هایی باشد که یک لوکشین را براساس نیاز فیلمنامه درست کردیم، هر آنچه در فیلمنامه نیاز داشتیم آن را ساختیم که خیلی کم پیش می‌آید این اتفاق بیفتد. ممکن است در زندان مکان‌های دیگری هم وجود داشته باشد که ما به آن نیازی نداشتیم و نساختیم و در آن ورود نکردیم ولی کاملاً صفر تا صد لوکیشن‌ها را براساس نیازهایمان

این مکان که در فیلم موقعیت اصلی زندان است چقدر ساخته و دکورسازی شد و چقدر در واقعیت به‌عنوان بنا وجود دارد؟

صفر تا صد دکور را برای این فیلم به‌طور کامل ساختیم.

از روی تصویر و مستنداتی به این شکل رسیدید؟

چیز مستندی راجع به دکور و زندان وجود نداشته که ما از روی تصویری ساخته باشیم. مقداری از این ساختمان زندان تخیل بوده و مقداری از آن براساس فرانس‌ها و طبیعتا مقداری هم مربوط به نیاز فیلمنامه بود. در هر صورت ما غیر از زندان قصر، زندان دیگری نداریم که به این فضا نزدیک باشد تا بتوانیم به شکل آن معماری را انجام دهیم. در هر صورت زندان در همه جای دنیا یک معماری مشخصی دارد، قسمت‌های اصلی دارد مثل سلول و بند و... که ما همه قسمت‌های این زندان‌ها را براساس نقشه‌های قدیمی زندان‌های داخل یا خارج از ایران پیدا کردیم و براساس آن‌ها و نیازهای فیلمنامه بسط دادیم و نمایی به وجود آمد که در داخل فیلم می‌بینیم یعنی صفر تا صد آن ساخته و پرداخته شده است. همه چیز برای ساخت دکور زندان روی خاک انجام شد و هیچ ساختمان قدیمی وجود ندارد. روی یک زمین خالی از صفر تا صد دیوارها را کشیدیم و ساختیم.

گروه سینما

سپیده عالم‌پناه